

همینک حدود دو قرنی است که ما مسلمانان شاهد تلاش پیگیر اسلام شناسان و خاورشناسان غربی هستیم. در راستای انتشار انتقادی متون و منابع دانش و معرفت ایران و اسلام و در تحلیل تاریخی متون و منابع فرهنگی مان و تاریخ نگاری اندیشه فلسفی و سیاسی و مذهبی مان، البته بر آگاهان پوشیده نیست که در بسیاری از این زمینه ها، نه تنها تلاش های خاورشناسان و دایره مطالعات آنان در زمینه های وابسته، از دایره مطالعاتی ما اهالی این فرهنگ بسیار فراتر رفته است. بلکه در انتقال این شیوه هاو در میزان افزایش آشنایی ما با فرهنگ و تمدن خودمان نیز سهم مهمی داشته است.

در چند دهه اخیر به دلیل رشد گرایش های ایدئولوژیک اسلام سیاسی در جهان عرب وترویج اندیشه های سلفی، مبانی رویکردی منفی درباره شرق شناسی، نظریه پردازی شد و خیلی زود گسترش یافت. نقد اصحاب خاورشناسی و مکاتب مختلف شرق شناسی از شیوه های یکدیگر و نقادی های علمی درونی نیز گاهی مورد استفاده این گرایش ایدئولوژیک قرار می گیرد. اینجاقصدپردازختن به داستان این نوع نگرش انتقادی درباره شرق شناسی راندارم؛ نگرشی که نمایندگان گرایش های احیاءگری اسلامی به ویژه در جهان عرب ارائه کرده اند. شاید بهترین گزارش ازاین موضوع راتاریخ نگاراندیشه، رضوان السید، در فصلی از کتاب سیاسیات الاسلام المعاصر(چاپ بیروت) ارائه داده است. از دیگرسو ادوارد سعید، منتقد ادبی نامدار فلسطینی الاصل، چنان که معروف است، در کتاب خود درباره شرق شناسی به انتقاد از شیوه معرفتی شرق شناسی در مواجهه با شرق پرداخت و با بهره گیری از مقوله «دانش و قدرت، و با وام گرفتن از فیلسوف و مورخ فرانسوی، میشل فوکو، به نقد بزرگ رشتن نمایندگان خاورشناسی پرداخت؛ البته نقد او بی پاسخ نماند و هم شرق شناسان و هم پاره ای از روشن فکران مسلمان، انتقادهایی به الگوی نقد وی و نتایج آن وارد کردند. گاهی نیز نقدهایی بر شرق شناسان به دلیل بی توجهی به دستاوردهای علوم انسانی و اجتماعی وارد شده است. آن طور که فی المثل در کتاب ها و مقالات محمد ارکون، روشن فکر الجزایری مقیم فرانسه، دیده می شود.

امروز نه خاورشناسی به آن معنایی که در سده نوزدهم وجود داشت، معنی دارد و نه شیوه فیلولوژی تاریخی. تاب تحمل نقدهای جدی ای را دارد که بر بنیاد آن رفته است. شیوه های شرق شناسی، تحولات تازه ای را در نیم قرن اخیر تجربه کرده است و هم اکنون گرایش های مختلف و از آن میان حتی انواعی از گرایش های مطالعاتی آنتروپولوژیک، جای شرق شناسی را گرفته است. شرق شناسی برپایه تصویر/ تصاویری از شرق/ غرب و تاریخ نگاری اندیشه، فرهنگ و تمدن، استوار بود که متناسب با تحولات علمی و فلسفی و سیاسی سده نوزدهم بایلد و مبانی فلسفی ویژه خود را داشت. شرق شناسی و اسلام شناسی دربی تحول در تاریخ نگاری علمی برآمدند و متأثر از پوزیتیویسم سده نوزدهم بودند. تحقیقات قرآن پژوهی و حدیث پژوهی و تاریخ نگاری اندیشه دینی در جهان اسلام، نیز به تاسی از تحقیقات در زمینه تاریخ نگاری و نقد متن کتاب مقدس در غرب ایجاد شد. امروز همه این بنیادها در معرض نقد قرار گرفته اند و حتی از نظر تحقیقات تاریخی و اسناد و مدارک، بازبینی بسیار یافته اند.

بااین همه، شرق شناسی و اسلام شناسی به فرهنگ ما خدمت بسیار کرده است. منظور من، نوعی ارزش داوری نیست؛ مقصود تنها تأکید بر این نکته است که اگر امروز شاهد رشد تحقیقات تاریخی درمیان تحصیل کردگان بومی در جهان اسلام هستیم، به دلیل وجود سنت قوی شرق شناسی است. کرم در کتاب «احیای فرهنگی» که دربی نشان دادن نمونه رنسانس فرهنگ در عصر آل بویه است، به وجود این سنت نقد، توجه نشان داده است. نگاهی به ادبیات محدثان و رجال شناسان و نیز سنت تدریس و تدرس در مدارس از یک سو و سنت های اهالی فلسفه و منطق در عصر نهضت ترجمه و به کارگیری نسخه های صحیح و نقادی ترجمه ها و متن ها که گزارش آن را می توان در کتاب هایی همانند همین کتاب کرم و نیز کتاب تفکر یونانی، فرهنگ عربی دیمتری گوتاس دید، مؤید این نظر است. اگر در این یادداشت، ضرورتی برای پاسداشت سنت شرق شناسی می بینم، به دلیل آن است که تأکید کنم بر ویژگی ها و اهمیت تحلیل تاریخی و نیز توجهی به نقد گفتنمان های معاصر که هریک مدعی خلوص هستند، خلوص در تمام ابعاد معنایی آن. متأسفانه بیشتر روشن فکران جوامع مسلمان که طبعاً یکی از ابزارهای آن ها برای نقد قدرت و جامعه و فرهنگ، لابد می باید آشنایی با تاریخ و ارائه تحلیلی تاریخی از فرهنگ و سیاست تاریخی باشد، نه بهره مند از سنت نقد در جوامع اسلامی اند- به این معنا که در بیشتر زمینه ها به کلی با سنت نقد سنتی بیگانه اند که در مدارس دینی و علمی ما قرن هاست تداوم دارد- و نه از دیگرسو، با دستاوردهای تاریخی خاورشناسان و مؤرخان غربی آشنایی درستی دارند. بی تعارف، بیشتر آن ها اطلاع درستی از تحقیقات تاریخی و نتایج آن ها در حوزه فرهنگ و تمدن و دینی مان ندارند و حداکثر با چند کتاب نه درجه یک از این حوزه آشنایی دارند.

در سال های اخیر، ترجمه کتاب های حوزه اسلام شناسی و ایران شناسی در کشورمان و نیز در کشورهای عربی، گسترش بی سابقه ای پیدا کرده است که باید آن را به فال نیک گرفت. نفس ترجمه این کتاب ها و تحقیقات حوزه خاورشناسی، فقر فرهنگی بسیاری از مدعیان دانش و روشنگری را آفتابی و روشن می کند که نظریات و فلسفه سازی های این طبقه تا چه اندازه از نوع کلی گویی های بی محتوا و غیرعلمی برخاسته از کج فهمی درباره نوشته جات خاورشناسان بوده است. احتمالاً مخاطبان این یادداشت، تنی چند از اصحاب ایرانی و عرب نظریه پردازی های روشن فکرمانانه را می شناسند که نوشته جاتشان تنها برداشتی ناقص و یک جانبه از کتاب های دست چندم مستشرقان است و بدون آنکه تلاشی برای شناخت منابع و نقادی تاریخی متون و بررسی اسناد کنند، تعبیر آنها را دارند. این است که کتاب هایی با عناوین دهان پرکن، در باب نقد عقل و اندیشه عربی و ایرانی و اسلامی می نویسند و جالب اینکه در سرتاسر کتاب هایشان، یک ارجاع درست به یک منبع درجه یک یا ارجاع به اسناد و کتاب های اصلی و نقد تاریخی آن ها دیده نمی شود و تنها هوس نظریه پردازی های بزرگ و ارائه منظومه های فکری اما فقیر از حیث اتکا بر مستندات تاریخی دارند. به راستی کدام یک از این صاحبان اندیشه های بزرگ و جهانی، حوصله تحقیق به اندازه یک دهم آنچه مایکل کوک در کتاب خود درباره امریه معروف و نهی ازمنکر ارائه داده است، دارند؟ مایکل کوک قصد ارائه نظمی نوین در اندیشه و تاریخ نگاری و تاریخ نگری ندارد، اما به درستی دریافته است که نظریه حاصل تحقیق و تجربه است و باید از جزء شروع کرد و به کل رسید. ارائه برداشت هایی کلی از تاریخ و فرهنگ یک قوم، تمدن و دین به منظور ساده سازی مسائل، همواره این خطر را دارد که شما امکان دخالت فهم و دریافت بخشی مهم از واقعیت های تاریخی را در تحلیلتان، خطا کارانه از میان برده باشید. البته شاید بتوان به این دسته آدم ها حق داد؛ نشستن و صد ها کتاب و هزاران برگ سند و مطلب را خواندن و ورق زدن برای نوشتن مقاله یا کتابی محققانه، کار ساده ای نیست.



شنبه ۹ اسفند ۱۳۹۲
شماره ۱۹۵۷

۱۱



آرشیو

او مشهدی ها را به وجد آورد

درباره تفکرات شهید عبدالحمید دیالمه و کاندیداتوری او در نخستین دوره مجلس شورای اسلامی



آیت داشت. او معتقد بود که شهید آیت، اطلاعات خوبی در اختیار دارد و با تیزبینی به جریانات کشور نگاه می کند.

شهید دیالمه در مجلس علم مبارزه با بنی صدر را به دست گرفت و همه جا اعلام کرد که من حاضرم با بنی صدر مناظره کنم؛ چون بنی صدر همیشه این شعار را می داد و به آن عمل نمی کرد. می گفت که من اهل مناظره و بحث آزاد هستم و هر که می خواهد مناظره کند، اعلام آمادگی کند. شهید دیالمه چند بار به او گفت که بیا مناظره کنیم، ولی بنی صدر زیر بار نمی رفت.

روزی بنی صدر در دوران ریاست جمهوری، آمده بود در همین ورزشگاه تختی مشهد، سخنرانی کند و جمعیت زیادی هم حضور داشتند. شهید دیالمه چند سؤال از او کرد و او هم گفته بود که من به سؤالات شما پاسخ نمی دهم. یکی از سؤالات این بود که آقای رئیس جمهور! شما که در مجلس خبرگان قانون اساسی بودید، چرا به ولایت فقیه رأی مثبت ندادید؟ چرا به اصل ۱۰۰ قانون اساسی رأی ندادید؟

دوره انتخابات مجلس برگزار شد، به یک عده پول دادند و گفتند بروید پوستر و عکس بچسبانید. برای تبلیغات انتخابات برخی نامزدها، هزینه های فراوانی صرف شد. ولی برای تبلیغات شهید دیالمه، جوانان اقشار فقیر جامعه و چهره های ضعیف مردمی پای کار آمدند که اخلاص و اعتقاد او را شناخته بودند و با دل و جان کار می کردند.

مردم می دانستند که اگر شهید دیالمه به مجلس برود، یکی از احباگران تشیع و مدافعان آرمان های انقلاب اسلامی خواهد بود. می دانستند که او به دنبال احیای قوانین الهی است. همه یاران و دوستانش هم صادقانه عمل می کردند، آن ها مصداق «رجال صدقوا ما عاهدوا... علیه» بودند.

در حقیقت در دوره نخست مجلس شورای اسلامی، جریان اسلامی قوت زیادی برای حضور در انتخابات داشت و توانست کرسی های مجلس را از آن خود کند.



نامه حمایت علما از نمایندگان انقلابی مشهد

به روایت اسناد

سندی کهن درباره نامه های حضرت حجت (عج)

کهن ترین نسخه ای که از کتاب «مصباح المتهجد» شیخ طوسی به ما رسیده است، نسخه کتابت نقاش رازی است که در ۵۰۲ قمری در مشهد مقدس نوشته شده است و اکنون در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود. از این کاتب، نسخه دیگری نیز در آن کتابخانه موجود است که امالی صدوق در سال ۵۰۷ آن را کتابت کرده است.

کاتب نسخه، عبدالجبار بن علی بن منصور نقاش رازی، پس از به پایان بردن کتابت مصباح کبیر، دو مطلب دیگر را نیز در نسخه خود نوشته است؛ یکی توقیعات ناحیه مقدسه به شیخ مفید است و دیگری زیارت جامعه. اهمیت ذکر توقیعات در این نسخه، تنها در تاریخ آن و تقدّم کتابتش بر احتجاج طبرسی نیست، بلکه علاوه بر آن، در مطلبی است که کاتب، پیش از آغاز توقیع آورده است. او پیش از آغاز توقیع اول، گفته شده است، « ذکر الشیخ المفید أبو عبد... محمد بن محمد بن النعمان رضی... عنه أنه ورد إليه فی آیام بقیّت من صفوی...».

مشابه همین تعبیر را کاتب نسخه، پیش از آغاز توقیع دوم، نیز بیان کرده است.

به این ترتیب، در ابتدای قرن ششم، با سختی پیش از نقل طبرسی روبه رو هستیم که نقل توقیعات را به خود شیخ مفید نسبت داده است. چنین می نماید که شیخ مفید در واپسین سال های حیات خود، داستان توقیعات را در برخی آثار خویش، منعکس کرده است که اگرچه امروز به ما نرسیده، در آن زمان شهرت داشته است. از همین رو شیخ طبرسی نیز که در مقدمه الاحتجاج، یکی از دلایل ذکر نکردن اسناد مطالب کتابش را وجود اجماع یا شهرت بین مخالفان و موافقان ذکر کرده، توقیعات را به صورت ارسال مسلم آورده است و سندی برای آن ذکر نمی کند؛ چنان که ابن بطریق حلی نیز در همان قرن ششم و اندکی پس از طبرسی، از توقیعات شریف با تعبیر، «ما ترویه کافه الشیعه و تلقاه بالقبول» یاد کرده است.



گروه اندیشه ادر دوره نخست مجلس شورای اسلامی، افراد مختلفی با تنوع اندیشه ای به عنوان کاندیدا حضور پیدا کردند. اما نکته مهم در حوزه انتخابیه مشهد، حمایت علما از فهرستی پنج نفره بود که بسیاری از فقهای مشهور مشهد، زیر این فهرست را امضا کردند.

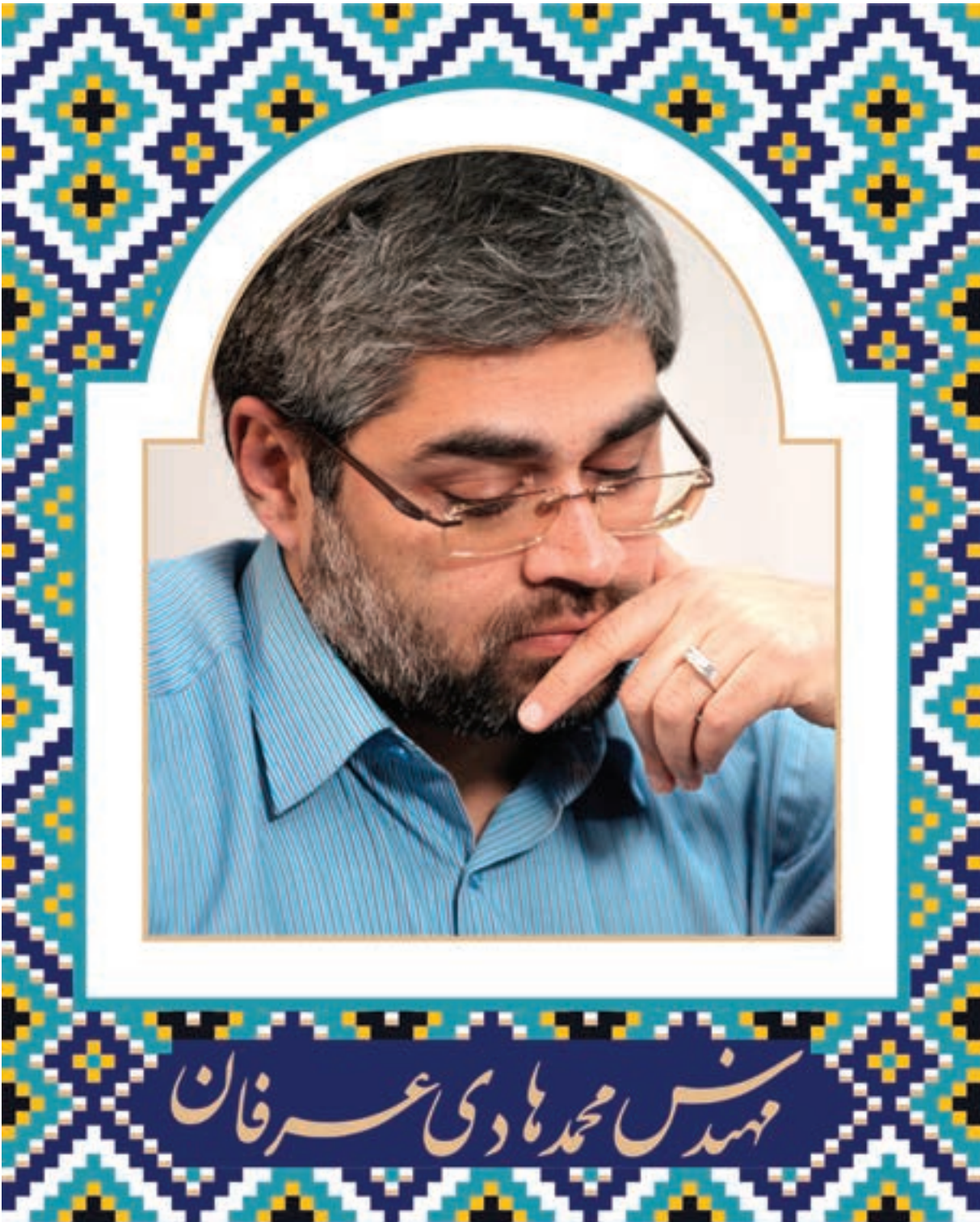
شکی در آن نیست که آن ها از علمای ترازاول مشهد و استان خراسان و کشور و عبارت بودند از: مرحوم آیت... میرزا جواد تهرانی، آیت... فلسفی، آیت...! مروارید، آیت... زنجانی و آیت... شیرازی. این ها چهره های شاخص و علمای بزرگ مشهد بودند. افزون بر این پنج نفر، تعداد زیادی از علما و روحانیان وائمه جمعه و جماعات نیز امضا کردند...

در این میان، یک نام بسیار مورد توجه علما و مردم مشهد بود؛ عبدالحمید دیالمه، مردی که در مشهد، مجمع احیای تفکرات شیعی را تأسیس کرده بود و سال ها در دفاع از اندیشه های ناب اسلامی تلاش می کرد.

کاندیداتوری دیالمه برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی، دراصل پیشنهاد یاران او بود.

برخی به او گفتند که در این موقعیت زمانی، شرایط اقتضا می کند که وارد مجلس شورای اسلامی شود؛ به خاطر اینکه خیلی از چهره های ملی گرا و کسانی که در حقیقت انحرافی و التقاطی بودند، علاقه داشتند مجلس را در دست بگیرند، لذا از این طرف نیاز مبرم وجود داشت که چهره های انقلابی، متدین، اصیل، متعهد و معتقد وارد مجلس شوند. در حقیقت شهید دیالمه رغبتی به این کار نداشت، ولی برای عمل به تکلیف شرعی، خود نامزد انتخابات شد. شهید دیالمه بعد از اینکه علما از او حمایت کردند و حجت شرعی بر او تمام شد، ثبت نام کرد.

یکی از چهره های شاخصی که پشتوانه شهید دیالمه بود، مرحوم آیت... علی اکبر نوغانی بود. او در مسجد شاهین فر نماز می خواند. این دو علاقه زیادی به یکدیگر داشتند. افزون بر آن، شهید دیالمه در همان جریانات بعد از انقلاب ارتباط صمیمانه ای با شهید



نامزد انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی از حوزه مشهد و کلات

پژوهشگر دکترای معماری

عضو ارشد سازمان نظام مهندسی خراسان رضوی

۲۴ سال سابقه توأم مدیریت، تدریس دانشگاهی، تألیف علمی و فعالیت مهندسی

مؤسس مرکز مطالعات شما iiua.ir و بنیانگذار نورپردازی شهری در ایران و مشهد

مدرس دانشگاه های فردوسی، اقبال لاهوری، آزاد، اسرار، توس، شهید منتظری و سوره

طراح بزرگترین پروژه بهسازی محیط شهری ایران به وسعت تقریبی ۲۰۰ هکتار در مشهد

طراح بزرگترین پروژه ارزش آفرینی موقوفات آستان قدس رضوی به ارزش ۳۶۰ همت

معاون حوزه هنری خراسان ا قائم مقام مرکز پژوهش های شورای شهر | مدیر طراحی شهری شهرداری مشهد